

کتب «الانواء» و تأثیر آن بر تألیفات جغرافیایی دوره اسلامی

حسین کمالیان^۱ مهرناز بهروزی^۲

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ و باستان شناسی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
^۲ استادیار گروه تاریخ و باستان شناسی تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول:

mehrnaz_behroozi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵

چکیده

«الانواء» عنوانی است مشترک برای شماری از نوشته های دانشمندان اسلامی که جزو اولین مکتوبات مسلمانان در زمینه جغرافیا بشمار است. تألیف آن ها به ویژه در سده های نخستین اسلامی، زمینه مناسبی را برای توسعه علم جغرافی ایجاد کرد. دیگر علما و دانشمندان با استفاده از اطلاعات کتب الانواء، و تطبیق آن با دانش روز، آثار گران بهایی در زمینه جغرافیای ریاضی و توصیفی تألیف کردند. اگر چه دامنه ی تألیفات کتب الانواء محدود است و بسیاری از این نوشته ها نیز در دسترس نیست، اما نقل قول از آن ها در آثار بعدی، نمایانگر اهمیت مطالب این کتب و نقش قابل توجهی است که این دانسته ها در توسعه علم جغرافی در تمدن اسلامی ایفا کرده اند.

پرسش اصلی مقاله این است: تألیف کتب «الانواء» چه روند تاریخی را طی کرده است؟ و دیگر آنکه این کتب چه تأثیری در توسعه علم جغرافی نزد مسلمانان داشته اند؟ پژوهش انجام شده حاکی از آن است کتب الانواء، ضمن رشد کمی و کیفی در قرون سوم و چهارم هجری، تأثیرات مهمی در ارتقاء دانش جغرافی، نزد مسلمانان داشته و زمینه خلق آثاری ماندگار در این علم را نیز در تمدن اسلامی فراهم ساخته اند.

کلیدواژه: کتب الانواء، جغرافی، تمدن اسلامی، نجوم، عرب جاهلی.

مقدمه

علم «الانواء» بخشی از دانش ابتدایی عرب جاهلی است، که مبتنی بر حرکت اجرام سماوی و وجود ارتباط میان این اجرام و پدیده های طبیعی بوده و در قالب نثر، شعر، حکمت و مسجّعات، از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است.

اطّلاع از حرکت ماه (منازل قمر)، موقعیت ستارگان، آشنایی با برخی از اجرام سماوی و ارتباط آن ها با پدیده های طبیعی، چون باران، سردی و گرمی هوا، حرکت ابرها، جهت وزش بادهای و دیگر عوارض طبیعی که علت آن ها نیز بعضاً به برخی ستارگان نسبت داده می شد، در زمره این آگاهی ها بشمار است.

برغم این اطلاعات و دانسته ها، عرب جاهلی، دانش چندانی از علم جغرافی نداشتند و دامنه اطّلاعات آن ها نیز محدود بود. اما همین اطلاعات محدود نیز که در قالب های شعر، نثر، مسجّعات، حکمت و ... بود، زمینه ساز تألیف مجموعه کتبی، تحت عنوان «الانواء» گشت که در دوره اسلامی و خصوصاً در سده های دوم تا چهارم هجری، از رونق قابل توجهی برخوردار شد و زمینه مناسبی برای رشد و توسعه جغرافیای ریاضی و توصیفی^۱ در سال های بعد را فراهم ساخت، به گونه ای که یا خود انواء نویسان، مؤلف چنین آثار جغرافیایی شدند و یا مطالب شان، بارها از سوی دیگر جغرافی دانان، مورد استفاده و استناد قرار گرفت.

در منابع و مآخذ مختلف در مورد تعداد این کتب و مؤلفان آن ها سخنان مختلفی ذکر شده، اما آن چه معلوم است، این است که، این تعداد به شمار ۵۰ نیز می رسیده که در نوع خود، حائز اهمیت و نشان از توجه مسلمانان، از یکسو برای رفع نیازهای خود در خصوص تعیین اوقات شرعی از جمله زمان طلوع و غروب خورشید، تعیین وقت نمازهای یومیّه، وقت انجام شعائر الهی و ... و از سوی دیگر، به علم جغرافی و آگاهی از محیط پیرامونی داشته است.

بررسی مطالب و محتوای برخی کتب الانواء، نشان می دهد، اگر چه دایره مطالب این کتب اغلب از حوزه جزیره العرب تجاوز نمی کرده، اما به تدریج جغرافیای طبیعی (ابر باد، باران، وصف کوه ها، دره ها، رودها، خانه ها و خیمه ها ...) جغرافیای انسانی (اقوام، نژادها، قبایل، پراکندگی جمعیت، خصوصیات رفتاری مردان و زنان، اخلاق انسانی، کرامت و سخاوت و ...) و حتی جغرافیای حیوانی (شامل حیوانات، پرندگان و ...) نیز مورد توجه آنان قرار گرفته است.

دانشمندان و جغرافی دانان بزرگ دوره اسلامی (از جمله محمد بن موسی خوارزمی (د. ۲۲۲ق)، ابن خردادبه (د. ۲۷۲ق)، ابن فقیه همدانی (د. قرن ۴ هجری)، ابو ابراهیم اصطخری (د. ۳۴۶ق)، مقدسی (د. ۳۸۰ق)، ابن حوقل بغدادی (زنده به سال ۳۶۷ق)، ابوریحان بیرونی (د. ۴۶۰)، و یاقوت حموی (د. ۶۲۶ق)، که در زمینه جغرافی صاحب آثار معروف و مشهوری هستند، هر یک به نوعی از اطلاعات کتب الانواء، در تألیفات خود بهره برده و یا بارها به مطالب آن ها استناد داده اند، که این امر نشان از اهمیت و تأثیر کتب الانواء در رشد دانش جغرافی در دوره اسلامی دارد. با توسعه علم جغرافی نزد مسلمانان، انواء نویسی، از قرن ۶ هجری به تدریج رونق سابق خود را از دست داد و تألیفات جدید جغرافیایی، مطابق با دانش آن روز و نیازهای ضروری جامعه مسلمانان جای آن را گرفت.

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع مقاله، کتاب و یا نوشته مستقلی که در آن به صورتی مشخص، میزان کمی و کیفی تأثیر کتب الانواء بر رشد دانش جغرافی مسلمانان مورد توجه قرار گرفته باشد، موردی مشاهده نشد. اگر چه اغلب مؤلفان کتاب های جغرافیایی، خصوصاً از قرن سوم هجری به بعد، بارها به موضوعات مختلف و داده های کتب الانواء توجه داشته و به دفعات مکرر به مطالب آنها استناد داده اند، اما به موضوع، از لحاظ کیفیت تأثیر گذاری این دانستنی ها، در روند رو به

^۱ منظور از جغرافیای ریاضی بخشی از آثار نجومی است که موضوع آن تحدید و توصیف بخش آباد زمین، روش تقسیم آن براساس عرض جغرافیایی و چگونگی پدیداری آسمان در عرض های جغرافیایی مختلف آن است. در جغرافیای توصیفی، وضعیت مناطق از جنبه های مختلف طبیعی، انسان شناسی، آب و هوا و ... مورد توجه است. برای اطلاعات بیشتر نک: (کرم زاده، افشار، مجله تاریخ علم، شماره ۲۱، ص ۱۶۱-۱۷۲)

رشد دانش جغرافی نپرداخته اند، و تنها به اقتضای موضوع به نام انواء نویسان اشاره داشته و یا از آنان تعریف و تمجید نموده اند.

دائرة المعارف اسلام (ENCYCLOPEDIA of ISLAM- VOL2) در مدخل ANWA، اگر چه به تاریخچه ای از موضوع، معنای لغوی انواء در میان اعراب، وجوه مختلف انواء و ... پرداخته و طی آن به چهره های مشهور انواء نویس در دوره اسلامی و کتاب های آنان نیز اشاره نموده، اما در عین حال به تأثیر این دانش، در روند توسعه دانش جغرافیا در دوره اسلامی توجه چندانی نداشته است.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی نیز در مدخل "انواء" تنها در مقاله ای مختصر به موضوع پرداخته و ضمن ارائه توضیحی کوتاه در معنی آن، بیشتر روند تاریخی تدوین و تألیف این نوع کتب را مورد نظر قرار داده، و در آن به تأثیر این دانش در روند توسعه جغرافیا هیچ اشاره ای، مشاهده نمی شود.

از نویسندگان متأخری که به موضوع انواء و تأثیر آن در رشد دانش جغرافی نزد مسلمانان توجه داشته، می توان به کراچکوفسکی اشاره کرد که در کتاب معروف "تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام" ضمن ذکر نام برخی از انواء نویسان معروف سده های نخست دوره اسلامی، موارد متعددی را از تأثیر مطالب آنان در کتب جغرافی دوره های بعد مورد توجه قرار داده است.

کتاب "تاریخ الانواء عندالعرب" نوشته "احمد محمد عطیه" را می توان آخرین تألیف در زمینه الانواء دانست. این کتاب که در سال ۲۰۲۰ میلادی از سوی هیئت العامه للکتب در مصر منتشر شده، اگر چه اثر قابل توجه و ارزشمندی است، اما به نظر می رسد در تدوین آن بیشتر نگاه تاریخی به موضوع مد نظر بوده و نویسنده به نوعی تلاش کرده، تا دانش الانواء نزد عرب جاهلی و دوره اسلامی را بیشتر از لحاظ تعلق تاریخی آن به اعراب مورد مطالعه قرار دهد. بدین منظور وی از بسیاری از انواء نویسان دوره اسلامی از جمله ابن قتیبه دینوری، ابو معشر بلخی و ... به عنوان دانشمندان عربی نام برده، که هر یک با تألیفی در زمینه انواء به شکلی در رشد دانش جغرافی نزد مسلمانان نقش ایفا کرده اند. عطیه در این کتاب، با استناد به برخی از مطالب کتاب «انوا فی مواسم العرب» اثر ارزشمند ابن قتیبه دینوری (۲۱۳ - ۲۷۶ ق)، به تفصیل به نبوغ چشمگیر اعراب در علم هواشناسی اشاره کرده و آن ها را از پیشگامان علم هواشناسی در سراسر جهان معرفی می کند. عطیه معتقد است که در طول سالیان، استفاده از نام الانوا محدود به برج های قمر بوده که در فصول بارندگی می درخشیدند، سپس این نام به باران ها نیز تعمیم یافت، بنابراین کلمه الانوا به معنای باران آمد. اصطلاحی که هنوز در برخی از کشورهای عربی از جمله مصر نیز بر سر زبان ها است. تأثیر کتب الانواء در رشد کمی و کیفی علم جغرافیا در دوره اسلامی، مطلب مفقود در این اثر ارزشمند است.

در آثار تألیفی نجوم و جغرافیایی جدید، و در قالب مقالات پژوهشی، مطلب قابل اعتنای دیگری در این زمینه منتشر نشده و اغلب پژوهشگران، تنها در تبیین تحولات علم جغرافی، بعضاً به موضوع انواء نیز اشاراتی گذرا دارند، و مؤلفین این کتب را نه به عنوان انواء نویس، بلکه جزو جغرافی دانان مسلمان مورد شناسایی قرار می دهند.

انواء در لغت

برای کلمه «انواء»، اگر چه تعاریف متعددی در کتاب های لغت و کتب الانواء بیان شده، اما این تعاریف دارای عناصری مشترک است، از جمله این که، هر یک با ارائه شرحی مختصر، عموماً طلوع و غروب ستارگان و منازل قمر در طول ماه و سال را، در تعریف خود آورده اند.

- **ابوریحان بیرونی** در کتاب «التفهیم لاوائل صناعه التجیم» در شرح طلوع منازل به تعریف «نوء» پرداخته و در باره آن گفته است: چون آفتاب به کوبی از ثباتات نزدیک آید، او را به شعاع خویش بیوشاند و بر آمدن او به روز گردد، و فرو شدن او به شب، پیش از فرو شدن شفق. و این حال او را غیبت خوانند و ناپدید شدن به مغرب. و هم چنین باشد تا آفتاب از او بگذرد، چندانک چون پیش از آفتاب برآید، روشنایی سپیده او را غلبه

نکند. پس اول این پدید آمدن طلوع او بود و او را «نوء» خوانند. نام «انواء» بر باران ها افتد. و به وقت خویش، به سقوط منازل بامدادان به مغرب منسوب دارند. و نام «بوارح» بر بادهای افتد و منسوب کرده آید، نه به وقت های باران، به طلوع منازل بامدادان از زیر شعاع آفتاب. و این همه را که تقدیر کردند، مر زمین عرب راست (ابو ریحان بیرونی، ۱۳۶۲: ۱۱۴).

- **جلال الدین همایی** در توضیح بخشی از کتاب التفهیم می نویسد: چون سقوط منازل به وقت بامداد در آیام باران اتفاق افتد، انواء را بدان منسوب کنند و چون طلوع منزل، یعنی بیرون شدنش از زیر شعاع آفتاب به وقت صبح در غیر موسم باران اتفاق افتد، بوارح را بدان نسبت کنند... بعضی نوشته اند که انواء، به سقوط منازل و غروب رقبای آنها، و بوارح به طلوع منزل ها منسوب است (ابو ریحان بیرونی، ۱۳۶۲: ۱۱۴)

- **دهخدا در لغت نامه**، در شرح معنای لغوی «انواء» تعاریف برخی منجمان، لغت شناسان و جغرافی دانان دوره اسلامی را جمع بندی کرده و بیان داشته: "انواء" جمع نوء، منزل های ماه، ستاره مایل به غروب، یا آن طالع است، و آن منزلی است قمر را، از منازل بیست و هشت، "انواء" آسمان و نوع غروب کردن منزلی، از منازل ماه و طلوع کردن منزلی دیگر مقابل آن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳/۳۶۰۶).

- **معین، مؤلف فرهنگ فارسی معین** نیز در شرح «انواء» می گوید: انواء جمع «نوء»، سقوط ستاره یکی از منازل بیست و هشت گانه و طلوع رقیب آن از مشرق است و یکی از علوم عهد جاهلیت عرب و هواشناسی از روی سقوط ستاره بود، تازیان می پنداشتند، که هرگاه ستاره ای از منزلی ساقط شود و ستاره ی دیگر در مقابل آن طلوع کند، ناچار باران، باد، گرما و یا سرما خواهد آمد (معین، ۱۳۸۱: ۱/۲۱۱).

- **مؤلف مقاله انواء در دائره المعارف بزرگ اسلامی**، به نقل از انواء نویسان معروف از جمله ابن قتیبه^۱، ازهری^۲، جوهری^۳ و ابن عاصم^۴، "انواء" را جمع نوء و اصطلاحی در نجوم قدیم نزد عرب و به معنی غروب هر یک از منازل قمر در باختر و یا طلوع منزل مقابل آن در خاور، به هنگام سحرگاه پیش از سپیده دم، یعنی پیش از آن که ستارگان در روشنایی خورشید از دیده محو شوند، تعریف کرده است (مولوی، ۱۳۹۹: ۸/۲۸۰).

- **ابن منظور در لسان العرب** از انواء تا حدودی متفاوت و دارای اضافاتی یاد کرده: "الأنواء" جمع نوء، و "النوء" هو سقوط نجم فی المغرب و طلوع آخر فی المشرق، فالساقطه فی المغرب هی الأنواء، والطلعه فی المشرق هی البوارح (ابن منظور، بی تا، ۱۷۷-۷۸). در این تعریف غروب ستارگان در مغرب «نوء» و طلوع آنها از شرق "بوارح" نامیده شده است.

- **کراچکوفسکی** در کتاب معروف «تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی» می گوید: اعراب بدوی، طلوع وافول قرص ماه و ستارگان در ایام مختلف را که تغییرات آن در زندگی شان نقشی مهمی داشت «نوء» و جمع آن را "انواء" می نامیدند (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۲۸).

انواء نزد عرب جاهلی

^۱ نک: بخش انواء نویسان معروف دوره اسلامی در همین مقاله،

^۲ «ابومنصور محمد بن احمد بن طلحة بن نوح بن الازهر» مشهور به الازهری (۲۸۲-۳۷۰ق)، مؤلف کتاب تهذیب اللغة، لغت شناس، ادیب، فقیه و مفسر شافعی است.

^۳ اسماعیل بن حماد جوهری فارابی (۳۴۰-۳۸۶ یا ۳۹۳ق)، عالم لغت و ادب، کنیه او ابونصر است.

^۴ ابن عاصم، ابویحیی محمد بن محمد (۷۹۰-۸۶۰ق)، قیسی غرناطی، قاضی، ادیب، شاعر، فقیه و محدث مالکی است.

تصور عمومی بر این است که عرب دوران جاهلیت، از ابتدائی ترین علوم بی بهره و دانش ابتدائی آنها، تنها در اموری که مربوط به رفع نیازهای زندگی روزانه شان می شده، منحصر بوده است. علت این ذهنیت به دلایل مختلفی باز می گردد، که موضوع این پژوهش نیست، اما فرهنگ جاهلیت در درون خود، دارای آگاهی ها و باورهایی بوده که هر یک از آنها بخشی از زندگی آنان را مدیریت و تسهیل می کرده، ولو آنکه فاقد منطق و استدلال بوده و به خرافات و اوهام نیز نزدیک بوده است.

علم « انواء » یکی از مجموعه آگاهی های عرب بدوی است که دلالت بر تجربه، مشاهده، دانش و آگاهی جامعه آن عصر، نسبت به زمان، چگونگی حرکت اجرام سماوی و وجود ارتباط میان پدیده های طبیعی و این اجرام دارد. عرب بدوی به رسم معمول آن زمان و شاید برای حفظ، نگهداری و انتقال این تجربه که در آن عصر، عموماً به صورت شفاهی و سینه به سینه به نسلهای بعدی انجام می گرفت، اطلاعات خود در این زمینه را، در قالب نثر، نظم و اشعار جاهلی، جملات قصار و حکمت آمیز، مدّون می کردند و در باره آن اوصاف مختصری نیز می آوردند. ابن اجدابی^۱ در این زمینه معتقد است که آگاهی های عرب بدوی، بر مبنای سال ها تجربه و مشاهده بوده و به دلیل عدم آگاهی آنان از علم ریاضی و هندسه، پایه علمی و منطقی نداشته است (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۱۱).

به هر حال بر خلاف تصوّر عامّه، عرب دوره جاهلی، مایه های فراوانی از تجربیات مستقیم خود در مورد جغرافیای نجومی داشته اند. کوچ قبایل و سفرهای دائم آنان در بادیه های معروف آن زمان و راهپیمایی های شبانه به دلیل دشواری راه رفتن در گرمای طاقت فرسای روز در صحراهای عربستان، که جزئی از روش های معمول زندگی آنان محسوب می شد، عرب بدوی را به امکان یاری گرفتن از پدیده های آسمانی، هم چون حرکت ماه (منازل قمر) و موقعیت ستارگان در آن توجه داده بود. به گونه ای که نه تنها به تدریج رهیایی به کمک ستارگان را آموختند، بلکه با توجه به موقعیت ظهور و افول آنها، ساعات شب و حتی طول مسیرهای خود را بر آن اساس اندازه گیری می کردند (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۷-۹).

این گونه امور باعث علاقه و توجه خاص عرب بدوی به ماه، حرکت آن و اندازه و موقعیت قرص آن در ایام مختلف شده بود. ابن منظور^۲ علاقه عرب بدوی به ماه را در شرایط زندگانی آن روزگار به خوبی بیان کرده و گفته است: با مهتاب مأنوس بودند، از آن رو که در آن به صحبت می نشستند، در شب پیمایی و سفر هدایتشان می کرد، وحشت تاریکی را از آنان بر می گرفت و مودی و رهگذر را نشان می داد (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۷).

با افزایش تدریجی این آگاهی ها، از جمله درک رابطه مسیر حرکت ماه با ستارگان، منازل ۲۸ گانه ماه را تشخیص دادند و برای هر کدام، یک نام عربی تعیین و در مورد آن تعاریف و توصیفات را بیان کردند. از جمله آنکه: چون « شرطان » طلوع کند، زمان برابر شود و کسان در وطن بمانند و همسایگان یکدیگر را هدیه فرستند و چون « دیران » طلوع کند، طبع مردان آتشین شود و آتش مطبوع نباشد و مگسان فراوان شوند و برکه ها بخشکد و طفلان هر کجا خواهند روند (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۲۸).

این منازل ۲۸ گانه عبارتند از: الشرطان، البطین، النجم، الدیران، الهقعة، الهنعة، الذراع، النشرة، الطرف، الجبهة، الخراتان، الصرفة، العواء، السماک، الغفر، الزبانی، الإکلیل، القلب، الشولة، النعائم، البلده، سعد الذابح، سعد بلع، سعد السعود، سعد الأخبیه، فرغ الدلو المقدم، فرغ الدلو المؤخر، و الحوت (ابن منظور، بی تا: ۱/ ۷۶؛ ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۶۴).

^۱ ابو اسحاق ابراهیم بن اسماعیل لواتی طرابلسی سده عق) معروف به ابن اجدابی از دانشمندان و فقهای قرن ۶ هجری و از ادبا لغت شناسان و عالم علوم قرآن، فقه، کلام، هیأت و نجوم بود کفایة المتحفظ و نهاية المتلفظ و کتاب الازمه والانواء دو اثر معروف او هستند. این اجدابی به قولی در سال ۶۵۰ هجری در طرابلس در گذشت و در همین شهر مدفون است.

^۲ ابن منظور الانصاری، مشهور به ابن منظور، قاضی مصری، دانشمندی بزرگ، ادیبی معروف و لغوی مشهور است. وی مؤلف لغت نامه معروف « لسان العرب » است. بیشتر مآخذ کهن، او را محمد ابن مکرم نیز خوانده اند. محمد بن مکرم، در ماه شعبان سال ۷۱۱ ق، در مصر وفات یافت و او را در روستای « قرافه » در نزدیکی شهر قاهره به خاک سپردند.

حسب نیاز و ضرورت به تدریج دامنه این اطلاعات و دریافت‌ها ولو ناقص و بعضاً خرافی توسعه یافت و به سایر موارد هم چون چگونگی تغییرات آب و هوا، حرکت ابرها، نزول باران، جهت وزش باد، سردی و گرمی هوا و دیگر عوارض طبیعی گسترش پیدا کرد و علت این تغییرات و تحولات نیز بعضاً به برخی ستارگان نسبت داده شد، پنداری که پس از ظهور اسلام نفی گردید و نسبت به آن واکنش مناسب نیز صورت پذیرفت.^۱

معرفت عرب بدوی منحصر به این امور نبوده و از برخی نوشته‌ها برمی آید که آنان سیارات قدر اول و از جمله زهره و عطارد و دست کم دویست و پنجاه تا از ثوابت را با نام‌های عربی خالص می‌شناخته‌اند، به گونه‌ای که عبد الرحمن صوفی منجم، همه را با دقتی کم نظیر فراهم آورد (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۹). گاه این نام گذاری‌ها با افسانه‌هایی جالب همراه بود. ظاهراً عرب جاهلی، نام برج‌ها را نمی‌دانستند، زیرا لفظ برج را که جمع آن ابراج و بروج است و بعداً به همین معنی به کار رفت، فقط به معنی ستاره می‌گرفتند (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۲۹).

برغم این اطلاعات و دانسته‌ها، عرب جاهلی، دانش‌چندانی از علم جغرافی نداشتند و دامنه اطلاعات آن‌ها نیز محدود و تنها شامل محیط پیرامونی و جزیره‌العرب می‌شد. مصداق این امر، نام بردن نام رودخانه‌هایی چون دجله و فرات، و مناطقی چون شام و عراق و شهرهایی چون بعلبک و دمشق در اشعار و حکمت‌های آنان است. ضمن آن که از اقوام آن دوران نیز، تنها به یهودیان، رومیان و عجم اشاره داشته‌اند (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۳۰).

به هر حال مجموعه‌ی این ادراکات و تصورات عرب جاهلی، در قالب‌های شعر، نثر، مسجعات، حکمت و ... در دوره‌های بعدی، در کتب «انواء» جمع‌آوری و به دلیل عبارات سخت، نثر، نظم و اشعار مسجع آن، ابتدا مورد توضیح و تفسیر لغت‌شناسان مختلف دوره اسلامی قرار گرفت،^۲ که زمینه تألیف کتب الانواء را فراهم ساخت، به گونه‌ای که هر دانشور لغت‌شناسی، که در کلمات دوره جاهلی، تخصصی داشت، دانش خود را در باره «انواء» در قالب کتاب و یا رساله‌ای تنظیم کرده و کوشیدند تا در قالب آن، تصورات عرب جاهلی، درباره «انواء» را جمع‌آوری و برای شرح و تبیین لغات، اصطلاحات، عبارات و توصیفات آن‌ها مطالب جدیدی را مطابق نیازهای روز مسلمانان به آن بیفزایند. این امر زمینه مناسبی برای رشد و توسعه جغرافیای ریاضی و توصیفی در سال‌های بعد را فراهم ساخت، به گونه‌ای که یا خود انواء‌نویسان، مؤلف چنین آثار جغرافیایی شدند، مانند ابن خردادبه، ابن قتیبه دینوری و ... و یا مطالب آنان بارها از سوی دیگر جغرافی‌دانان مورد استفاده و استناد قرار گرفت (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۲۷-۲۹)، اما با توجه به رشد دانش جغرافی نزد مسلمانان و یافته‌های جدید، از قرن ششم هجری به بعد، کمتر کتابی در این زمینه تألیف گردید.

انواء نویسی در دوره اسلامی

^۱ وکانت العرب تقول مطرنا بنوء كذا، أي مطرنا بطلوع نجم و سقوط آخر، جاء في حديث النبي صلى الله عليه وسلم: من قال سقينا بالنجم، فقد امن بالنجم و كفر بالله، ومن قال سقانا الله، فقد أمن بالله و كفر بالنجم (ابن منظور، بی تا: ۱ / ۱۷۳، ۱۲۱).

^۲ ابوالحسین عبد الرحمان بن عمر بن محمد بن سهل صوفی رازی مشهور به «عبدالرحمان صوفی» ریاضیدان و اخترشناس مشهور ایرانی در سال ۲۹۱ ق در ری به دنیا آمد. او پس از بطلمیوس نخستین کسی بود که به پژوهشهایی منظم درباره ستارگان آسمان پرداخت. صوفی کتاب حصور الكواكب را به عربی نگاشت که توسط «خواجه نصیر الدین طوسی» (۵۹۷-۶۷۲ ق) به فارسی ترجمه شد. عبدالرحمن در سال ۳۷۶ ق در شیراز درگذشت.

^۳ به عنوان نمونه تعدادی از این مسجعات در سطور ذیل آمده است. نمونه‌های بیشتر از آنها در کتاب «الازمنه و الانواء» نیز قابل دسترسی است.

«إذا طلعت الأشرار نقصت الأنباط - إذا طلع الإكليل حاجت الفحول، و شمردت الذبول، و تخوفت السيول - إذا طلع البطين اقتضى الدين، و ظهر الزين و اقتفى بالعطار و القين - إذا طلع البطين تزينت الأرض كل الزين - إذا طلع البطين برد ماء البئر و العين - إذا طلعت التربا عشيا ابتغى الراعي كسبا - إذا طلعت الجبهة تحنت الولهة، و تنازلت السفهة، و قلت في الأرض الرفهة - إذا طلعت الجوزاء توقدت المعزاء، و كنت الطباء، و عرفت العلباء، و طاب الحياء إذا طلع الجوت خرج الناس من البيوت - إذا طلع الخرتان، جنى البسر بكل مكان و طاب الزمان» (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۱۷۷)

۱- سیر تاریخی

انواء نویسی، در دوره اسلامی، اگر چه با استفاده از مجموعه آگاهی های عرب بدوی آغاز شد، اما با نگرشی جدید و بر مبنای عقاید اسلامی، مبتنی بر توحید و پذیرش حاکمیت الهی شکل گرفت. تألیف کتب الانواء، به دلیل ضرورت ها و نیازهای آن روز مسلمانان (هم چون زمان طلوع و غروب خورشید، تعیین وقت نمازهای یومیّه، تشخیص اوقات شبانه روز، ایام ماه مبارک رمضان، وقت انجام شعائر الهی، جهت قبله، اعیاد اسلامی و ...) در قرون دوم تا چهارم هجری رو به گسترش قابل توجهی نهاد و بسیاری از دانشمندان و نویسندگان و لغت شناسان، با ایمان به خدا و نفی شرک و ردّ نسبت دادن پدیده های طبیعی به ستارگان و انواء، به تألیف کتب «الانواء» با نگاه جدید پرداختند^۱ و آثار برجسته ای نیز از خود به یادگار گذاشتند. تنها در فاصله سالهای آغازین قرن دوم تا اواسط قرن چهارم هجری، بیش از سی تألیف در این زمینه دیده می شود.^۲

این کتابها علاوه بر توصیف و تبیین معنای انواء و شرح آگاهی ها و تجارب عرب در این زمینه، حاوی مطالب جدیدی مطابق با نیازهای روز مسلمانان نیز بودند و از آن جهت که دانسته های عرب جاهلی در موضوع «انواء و ازمنه» را نیز بیان می داشتند و به آنچه از این فن در میان عرب پس از اسلام، تا زمان تألیف مورد استفاده بوده، آشنا می ساختند، از ارزش و اهمیت ویژه ای برخوردار هستند (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۲۹).

قابل ذکر این که تألیفات انواء نویسان در سالهای آغازین اسلامی، به مآخذی مهم برای انواء نویسان در سالهای بعد تبدیل شد، به گونه ای که برخی از کتب «الانواء» متقدّم از جمله «الازمنه و الامکنه» از مرزوقی اصفهانی، «الازمنه و الانواء» ابن اجدابی، «الانواء فی مواسم العرب» ابن قتیبه دینوری و ... مستند به مطالب کتب الانواء متأخر، از جمله کتب «الانواء» ابن کناسه، ابن خردادبه، اصمعی، نضر بن شمیل و ... بوده و به دفعات متعدد از مطالب آن ها استفاده کرده و یا به آنها استناد داده اند.

برخی تألیفات دیگر در این دوره نیز، بر مبنای کتب الانواء شکل گرفت، که از جمله آنها می توان به کتاب «الخراج» قدامه بن جعفر اشاره کرد، چرا که کتاب «الانواء و المسالک و الممالک» ابن خردادبه، تکیه گاه و منبع اصلی او در تألیف این اثر است. با این که ابن خردادبه و قدامه بن جعفر، هم عصر بوده اند، با این وجود، قدامه در این کتاب که تنها بخشی هایی از آن باقی مانده، برای شناخت بسیاری از مناطق به دفعات از اطلاعات «المسالک و الممالک» ابن خردادبه استفاده کرده^۳ و یا به آن ارجاع داده است.

به تدریج و در طول سال های بعد، مطالب کتب «الانواء»، محدود به حرکت اجرام سماوی، اوقات و ایام شرعی و پدیده های طبیعی و ... نشد و در آن ها، جغرافی دیگر مناطق، فاصله شهرها از یکدیگر، موقعیت نواحی مختلف، طبیعت هر یک از منطقه ها، جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی و ... نیز مورد توجه قرار گرفت که این امر، زمینه مناسبی را برای رشد تألیفات جغرافیایی فراهم ساخت، به شکلی که جغرافی دانان مسلمان نیز یا خود مؤلف کتابی در انواء شدند و یا از این کتب در تألیفات جغرافیایی بهره های فراوان بردند، که از آن جمله می توان به ابن قتیبه دینوری، مرزوقی اصفهانی، ابن اجدابی و ... اشاره نمود.

^۱ ابن اجدابی در این رابطه می گوید: فقد وضع كثير من أئمة اللغة، منذ أواخر القرن الثاني و حتى أواخر القرن الرابع من الهجرة، كتباً في الأنواء، ذكروا فيها كل ما كان العرب يعرفونه في هذا الباب، وجمعوا أقوالهم فيها من الأشعار والأسجاع والأمثال وأضافوا إليها ما وجد في الإسلام من معارف في هذا الباب أيضاً، مثل معرفة سمت القبلة في البلدان المختلفه، ومواقف الصلوات و الصوم، وما يتصل بذلك من مراقبه الشفقين و الفجرين، و طلوع الشمس و غروبها و رؤيه الهلال و غير ذلك من المعارف. (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۱۷)

^۲ به جدول انواء نویسان در همین مقاله مراجعه شود.
^۳ بر گرفته از نرم افزار جغرافیای جهان اسلام، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور).

اگر چه این سلسله تألیفات در فاصله قرن دوم و سوم هجری از رونق بالایی برخوردار بود و بنا به اقوال مختلف تعداد آن در فاصله این دو قرن، از بیست مورد نیز گذشت، اما با توجه به رشد دانش جغرافی نزد مسلمانان، و خلق آثار ارزشمند در این زمینه، پس از قرن ۶ هجری کمتر کسی، به این موضوع پرداخت (مولوی، ۱۳۹۹: ۱۰/۲۱۹-۲۰).

در منابع و مآخذ مختلف در مورد شمار کتب الانواء و نویسندگان و مؤلفان آن ها سخنان مختلفی ذکر شده است. مصححین کتاب «**الانواء و المواسم العرب**» منتسب به ابن قتیبه دینوری، نام ۲۴ نفر را که دارای تألیف "انواء" بوده اند به شرح ذیل آورده اند:

۱- مؤرج بن عمر أبو فید السدوسی العجلی، ۲- النضر بن شمیل المازنی التمیمی المروزی القاضی، ۳- ابن کناسه أبو یحیی محمد بن عبد الله الأسدی الکوفی، ۴- الأصمعی، عبد الملك بن قریب الباهلی، ۵- محمد بن زیاد ابن الأعرابی، ۶- محمد بن حبیب البغدادی، ۷- أبو محلم بن هشام الشیبانی، ۸- المبرّد، محمد بن یزید الأزدی، ۹- أبو معشر البلخی، جعفر بن محمد بن عمر، ۱۰- ابن قتیبه أبو محمد عبد الله بن مسلم القاضی، ۱۱- أبو حنیفه الدینوری، ۱۲- المرثدی أبو أحمد بن بشر، ۱۳- ابن خرداد به، عبید الله بن عبد الله أبو القاسم، ۱۴- الزجاج، أبو القاسم عبد الرحمن بن إسحاق، ۱۵- الأخفش الصغیر (الأصغر) أبو الحسن علی بن سلیمان بن المفضل، ۱۶- ابن عمار الثقفی، ۱۷- ابن درید، ابو بکر بن حسن الأزدی البصری، ۱۸- وکیع القاضی، محمد بن خلف بن حیان، ۱۹- القاسم بن معن، ۲۰- الحسن بن سهل بن نوبخت، ۲۱- الدهنی، ۲۲- المزیدی، ۲۳- أبو غالب أحمد بن سلیم الرازی، ۲۴- ابن الأجدابی (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۱/۱۷).

ابوریحان بیرونی، در کتاب "آثار الباقیه عن القرون الخالیه" در فصل قمر و انواء، از انواء نویسانی هم چون کلثومی، ابراهیم بن السری الزجاج، ابی یحیی بن کناسه، ابی حنیفه الدینوری، ابی محمد الجبلی، و ابی الحسین الصوفی نام می برد (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۰: ۶۸۵-۶۹۶-۷۳۴).

ابن اجدابی (د. ۴۷۰ق) متأخر ترین نویسنده کتاب الانواء نیز در بخش های مختلف از کتاب خود، به ذکر نام مؤلفان کتب الانواء پرداخته و از کتاب الانواء از ابن قتیبه و کتاب الأزمنه والأمكنه از علی المرزوقی و کتاب المخصّص از ابن سیده، کتاب الانواء از ابو حنیفه الدینوری و کتاب عجائب المخلوقات از زکریا بن محمد القزوینی، به عنوان مکتوباتی که در آنها مستقیماً و یا با اختصاص بخشی از تألیف به موضوع انواء پرداخته شده، نام برده است (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۷).

یاقوت حموی (د. ۶۲۶ق) نیز در دو کتاب معروف «معجم الادباء و معجم البلدان» از انواء نویسان متعددی از جمله: ابن اجدابی، ابن اعرابی، ابن حبیب، ابن درید، ابن عمار، ابو حنیفه دینوری، ابی العباس المرثدی، اخفش الصغیر، علی بن سلیمان، المورج السدوسی، نضر بن شمیل، المفضل بن سلمه، المبرّد، نام می برد و در مورد برخی از آنها نیز توضیحاتی دارد.

ابن خلکان (د. ۶۸۱ق) در کتاب معروف خود «وفیات الاعیان عن انباء ابناء الزمان» هفت نفر از مؤلفان کتب الانواء را به شرح ذیل بر شمرده است: ابن اعرابی، ابن درید، الاصمعی، الزجاج، مورج السدوسی، نضر بن شمیل، الصولی (ابن خلکان، بی تا: ۴۸۹/۸).

در کتاب «تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام» از کراچکوفسکی، اگر چه ذکر ۲۰ کتاب تحت عنوان الانواء به زبان عربی آمده، اما عملاً در این تألیف، تنها از ابن خرداد به، ابو حنیفه دینوری، مورج سدوسی، نضر بن شمیل، ابو عبید قاسم بن سلام، هشام کلبی، ادریسی، اصمعی، عزام بن اصبغ، ابن لغذه اصفهانی، قاضی وکیع و جاحظ به عنوان کسانی که تألیف مستقلی تحت عنوان «الانواء» داشته اند، یاد شده است.

دائرة المعارف اسلام (Encyclopedia of Islam) نیز در مدخل انواء (ANWA) از ابن کناسه، مقریزی، نضر بن شمیل، الاصمعی، ابن العربی، الشیبانی، المبرّد، ابن قتیبه، ابوحنیفه دینوری، اخفش الصغیر، الزجاجی، ابن درید، قاضی وکیع، حسن بن سهل بن نوبخت، ابو معشر بلخی، ثابت بن قروه، ابن خرداد به و ابوریحان بیرونی به عنوان مؤلفان کتب الانواء نام برده است (PELLAT, 1979, p.523-525).

دائرة المعارف بزرگ اسلامی نیز در مدخل «الانواء» نام ۱۷ اثر که با عنوان الانواء و یا الازمنه، یا نام های مشابه دیگر به زبان عربی تألیف شده و یا بخشی از یک اثر به موضوع انواء اختصاص یافته را به شرح ذیل آورده است:

۱- الانواء از خالد بن کلثوم، ۲- النجوم از مالک بن انس، ۳- الانواء از مورج سدوسی ۴- الانواء از نصر بن شمیل ۵- الازمنه از قطرب نحوی، ۶- الانواء از ابن کناسه، ۷- الایام و الیالی و الشهور از یحیی بن زیاد فراء، ۸- الانواء از عبدالملک بن قریب اصمعی، ۹- الازمنه و الریاح و السحاب و المطر، از ابو عبید قاسم بن سلام ۱۰- الانواء از ابن اعرابی، ۱۱- الانواء از ابوحنیفه دینوری، ۱۲- الانواء از ابن قتیبه دینوری، ۱۳- الانواء از عریب بن سعد قرطبی، ۱۴- الانواء و الازمنه و معرفه اعیان الکواکب از عبدالله بن عاصم ۱۵- الازمنه و الامکنه از ابوعلی مرزوقی ۱۶- الازمنه و الانواء از ابن اجدابی ۱۷- آثار الباقیه عن القرون الخالیه، فصل قمر و انواء از ابوریحان بیرونی (مولوی، ۱۳۹۹: ۸/ ۲۸۰).

۲- انواء نویسان مشهور دوره اسلامی و آثار آنان

اگر چه «انواء» از مجموعه آگاهی های عرب بدوی بشمار است، اما تحول آن در دوره اسلامی با تلاش لغت شناسان و علمای نجوم و هیئت، این دانسته ها را به تدریج با دانش و یافته های روز منطبق ساخت و با تألیف کتب «الانواء» و افزایش آن خصوصا با توجه به نیازها و ضرورت های جدید جامعه اسلامی، زمینه مناسبی برای رشد علم جغرافیا در تمدن اسلامی فراهم گردید. کتب مهم جغرافیا که در این دوره توسط دانشمندان اسلامی نگاشته شد (از جمله: البلدان یعقوبی، اعلاق النفیسه ابن رسته، البلدان ابن فقیه، المسالک و الممالک ابن خرداد، الممالک و الممالک اصطخری، التنبیه و الاشراف مسعودی، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم مقدسی و ...)، هر یک به نوعی از اطلاعات این تألیفات بهره برده و از مطالب آنها استفاده کرده اند (ابن اجدابی، ۲۰۰۶: ۷؛ کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۷/ ۲۴-۲۷). بدین لحاظ نگاهی به نقش موثر برخی از انواء نویسان مهم در فاصله قرون سوم تا پنجم و بررسی مطالب مندرج در کتب آنها ضروری می نماید.

الف: ابوفید مؤرج بن عمر سدوسی (د. ۱۹۵ق)

شاعر، ادیب و عالم نحوی قرن دوم هجری قمری است. برخی نام او را «مرثد» دانسته و از «مؤرج» به عنوان لقب وی یاد کرده اند. اگر چه از زادگاه و دوران طفولیت وی اطلاعی در دست نیست، اما گفته شده است که

از بادیه به بصره آمد و به آموختن قیاس در محضر ابوزید انصاری پرداخت. هم چنین به نظر می رسد که وی قبل از آنکه مأمون عباسی به حکومت رسد، به وی پیوسته و همراه او از عراق به خراسان سفر کرده و ابتدا در شهر مرو سکنی گزیده و سپس به نیشابور رفته و در آنجا اقامت گزیده و از محضر عالمان آن دیار بهره برده است، سپس به جرجان رفته و از آن جا به بصره بازگشته و در همان جا درگذشته است (السدوسی، ۱۹۸۳: ۷-۹). برخی، از سال ۲۰۴ق، به عنوان سال درگذشت وی یاد کرده اند؛ در حالی که سال ۱۹۵ق؛ یعنی سالی که ابونواس در آن درگذشت، صحیح تر به نظر می رسد.

مؤرج، تألیفات زیادی نداشته و منابع کتاب شناسی و تراجم تنها از هشت کتاب به عنوان آثار به جا مانده از وی نام می برند که عبارتند از: أنساب شیبان؛ الأنواء؛ جماهیر القبائل؛ غریب القرآن؛ المعانی؛ معانی القرآن. از میان این تألیفات، تنها دو کتاب «الامثال» و «حذف من نسب قریش» باقی مانده است.

ابن ندیم در الفهرست، ابن خلکان در وفیات و حاجی خلیفه در کشف الظنون، نام مورخ سدوسی را جزو انواء نوپسان معروف ذکر کرده اند. مطالب کتاب الانواء او بارها از سوی دیگر انواء نوپسان و جغرافی دانان مسلمان مورد استفاده و استناد قرار گرفته است (السدوسی، ۱۹۸۳: ۱۹).

ب: نضر بن شمیل (نضر بن شمیل النحوی المازنی التحیمی المروزی القاضی، د. ۲۰۴ ق)

نضر بن شمیل یکی از مولفان مشهور کتب انواء است. کتاب او که در آغاز قرن سوم هجری نوشته شده «الصفات» نام دارد و شامل مطالب مختلف در باره زندگی عرب بدوی است، به گونه ای که برخی آنرا به یک فرهنگنامه مستقل زندگی بدویان نیز توصیف کرده اند. مطالب کتاب شامل ترکیبی از جغرافیای طبیعی و انسانی و جغرافیای حیوانی است. ابن ندیم در «الفهرست» این کتاب را چندین کتاب بزرگ می داند که جزء اول شامل اخلاق انسانی و بخشش و کرم و صفات زنان است. جزء دوم شامل خیمه ها و خانه ها و وصف کوهها و دره ها و کالاهاست، جزء سوم مخصوص شتر است جزء چهارم شامل گوسفندان، پرندگان، خورشید، ماه شب روز لینیات، قارچ، چمه، چاهها آب انبارها، رسنها، دلوها و صفت شراب است و جزء پنجم شامل زراعت مو، نام سبزیها، درختان، بادها ابرها و بارانهاست (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۹۰) مولف در این کتاب، کلمات هر موضوع را جداگانه و با شواهد مکرر و با استفاده از شعر جاهلی و با تفصیل توضیح می دهد (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۷۲).

ج: هشام بن محمد بن سائب بن بشر، معروف به هشام کلبی (د. ۲۰۶ ق)

از دانشمندان به نام عرب در زمینه انساب به شمار است که اطلاعات جامعی نیز از اخبار، وقایع و سرگذشت اعراب جاهلی داشته و علاوه بر کتاب الانواء، مؤلف کتاب های معروف «الأصنام و جمهره الانساب» که از منابع اساسی در مورد دیانت عرب جاهلی و علم انساب به شمار می آیند، نیز است. ابن ندیم در الفهرست، تألیف بیش از ۱۲۰ کتاب را به او نسبت داده است (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۱/ ۱۶۱-۱۶۳). هشام در میان لغویان آن عصر، از لحاظ وسعت افق فکری، یکی از نوادر بوده، زیرا غالب آنان به فراهم آوردن خلاصه های لغوی درباره عربستان بسنده کرده بودند، در حالی که هشام کلبی با بیان توضیحاتی در رابطه با بعضی از شهرهای بیرون جزیره العرب همچون کوفه، رها، مخرم در نزدیکی بغداد و نهروان از موضوعات دامنه دارتری سخن گفته است. از اصل کتاب الانواء او نسخه ای در دسترس نیست، اما در آثار متأخرین، بارها به آن اشاره شده، از جمله اینکه یاقوت در البلدان بیش از ۳۵۰ بار از او یاد می کند (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۷۳).

د: اصمعی، ابوسعید عبدالملک بن قُرَیب الاصمعی (د. ۲۱۵ ق)،

اصمعی از عالمان اهل سنت، ادیب، لغت‌دان، نحوی، آگاه به تاریخ و غرایب قرن دوم و سوم هجری قمری در عراق بود. ابن ندیم تألیف بیش از ۳۰ کتاب را به او نسبت داده است (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۹۶) وی بجز کتابی در «انواء» یک رساله عمومی تحت عنوان «رساله فی صفة الأرض والسماء والنباتات» نیز دارد. وی در لغت عربی دارای شناختی عمیق از رسوم زندگی عرب بوده و با تکیه بر این شناخت، واژگان را توضیح داده است. اصمعی به دانشی وسیع در جغرافی عرب نیز شناخته بود و اقوال وی در این باره هم در کتب غریب الحدیث و هم در دیگر کتب جغرافیایی مورد توجه گسترده قرار داشت (پاکتچی، ۱۳۹۹: ۵). متن کتاب الانواء وی در دسترس نیست، اگر چه مطالب آن بارها مورد استناد انواء نوپسان متأخر قرار گرفته است. تنها یاقوت حموی در «معجم البلدان» بیش از ۱۶۰ مورد از اصمعی یاد کرده و

^۱ زمان وفات در صفر سال ۲۱۴ یا ۲۱۵ یا ۲۱۶ ق و یا ۲۱۷ ق نیز ذکر شده است.

بسیاری از نواحی جغرافیایی جزیره العرب (از جمله نجد، تهامه، ضباب و ...) و اصطلاحات و تعابیر نجومی و جغرافیایی اعراب بدوی را به نقل از او توضیح داده است (حموی، ۱۳۸۰: ۳۵).

ه: ابو عبیده قاسم بن سلام خزاعی (د. ۲۲۴ق)

أبو عبید قاسم بن سلام خزاعی، فقیه، محدث، قاری و زبان شناس برجسته خراسانی است که آثار بسیاری در زمینه های گوناگون از جمله «الانواء» از او به جا مانده است. ابن ندیم در «الفهرست» بیش از ۲۰ تألیف او را بر شمرده است (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۱۲۰). اگرچه کتاب الانواء او در دسترس نیست، اما از کتاب او، به نام «غریب المصنف» که علاوه بر لغت شناسی، مایه جغرافیایی نیز دارد، بسیار نقل قول شده است. گویا وی می خواسته در این کتاب، مواد لغوی را بر حسب انواء تقسیم کند. ترتیب مطالب جغرافیایی او نیز مانند کتاب نضر بن شمیل است (مولوی، ۱۳۹۹: ۵/۲۳۴۳).

این کتاب بر اساس موضوع تنظیم شده و در آن لهجه‌ها، تقسیمات جغرافیایی و تقسیمات قبیله‌ای مورد توجه بوده و نمونه هایی از گویش های تاریخی عرب چون سبا، حمیر، جرهم، عمالقه، مدین و غسان نیز در آن دیده می شود. ابو عبید ضمن توجه به امثال از بیش از هزار و دویست بیت شعر نیز به عنوان شاهد در توضیح لغات استفاده کرده است (ابن ندیم، ۱۳۴۶: ۱۲۱).

در جلد اول این کتاب موضوعاتی چون زنان، پوشیدنی ها، غذاها، بیماریها، شهرها، مرکبها، اسلحه، پرندگان و ظروف دیگر و در جلد دوم کوهها، درختان و نباتات، آب ها، قنوات، نخل ها، ابرها و بارانها، زمانها و بادهها، اوزان اسامی، اوزان افعال، واژه‌های که ضد یکدیگرند آمده است. در همین جلد موضوع انواع ابرها و باران در یک باب و زمانها و بادهها در فصلی دیگر مورد توجه قرار گرفته و ضمن نقل قول های بسیار از «الانواء اصمعی» تعابیر و اصطلاحات اعراب در خصوص این پدیده های طبیعی نیز با اشعاری از گذشتگان توضیح داده شده است (ابو عبید، ۱۹۸۹: ۲/۴۹۳-۵۱۲). ابو عبید جزو اولین کسان است که هم در انواء کتاب نوشته و هم در جغرافیا تألیف داشته است.

علیرغم اهمیت این کتاب در علم انواء و جغرافی، مطالب آن از نظم خاصی پیروی نمی کند و در آن از موضوعاتی چون پوشیدنی ها و پرندگان، تا ابر و باد و لغات متضاد مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

و: ابن قتیبه دینوری (د. ۲۷۶ق)

ابن قتیبه، ابومحمد عبدالله بن مسلم دینوری، از دانشمند بزرگ عصر عباسی است. کتاب «الانواء فی مواسم العرب» نوشته او به زبان عربی در موضوع نجوم و رویدادهای هواشناسی و احوال فصول و اوضاع جوی در اعراب باستان است که در آن منازل بیست و هشت گانه قمر، نام یک ستارگان و در کنار آن بحث های لغوی درباره آن نام ها، اشعار مربوط به هر یک، گاه شماری نزد اعراب بادیه، جهت یابی و... نیز در آن آمده است. نویسنده در ابتدا، به ذکر منازل قمر و سپس به توضیح و تشریح معنای «نوء» پرداخته و از نویسندگان مختلف «الانواء» نام برده است (ابن قتیبه، ۱۹۷۸: ۱۷). آن گاه، ضمن توضیح کیفیت طلوع و غروب، فرق بین غروبی که افول و غروبی که «نوء» باشد را بیان نموده و سپس به بررسی اسماء منازل و هیئت‌ها پرداخته است (ابن قتیبه، ۱۹۷۸: ۱۳). چگونگی نزول قمر به این منازل، ذکر ازمنه اربعه و تحدید اوقات آن، ازمنه و تحدید اوقات نزد عرب، ذکر بروج و فصلها، خورشید و ماه و کواکب مشهور، فصول سال، ابر و باد، رعد و برق و دلایل آن، جایگاه ستارگان، و در انتها فهرست مآخذ و مصادر؛ فهرست جامع شامل اعلام، قبائل، اماکن، کتب و...؛ اسماء نجوم و کواکب و فهرست قوافی و بحور، از دیگر عناوین این کتاب است (ابن قتیبه، ۱۹۷۸: ۲۰۳-۲۱۰).

مطالب کتاب و طبقه بندی آن نشان می دهد، ابن قتیبه در قیاس با متقدمین در نوشتن این کتاب نظم و ترتیب خاصی را مد نظر داشته و ضمن استفاده از منابع و مآخذ معتبر، رعایت ترتیب را در بیان مطالب تا حدود زیادی رعایت کرده است.

ز : ابو حنیفهٔ أحمد بن داوود الدینوری (د. ۲۸۲ق)

ابوحنیفه احمد بن داوود الدینوری، از فلاسفه و حکما و ریاضی دانان بزرگ اسلامی، گیاه‌شناس، مورخ، جغرافی‌دان، منجم و ریاضی‌دان، نحوی و لغت‌شناس و جامع بیان آداب عرب و حکم فلاسفه بوده است. دینوری صاحب آثاری بسیاری است که از مهم‌ترین آنها اخبار الطوال است.^۱

کتاب الانواء نیز یکی از آثار اوست که نشان از تسلط کامل او بر علم نجوم دارد. این کتاب اگر چه در دسترس نیست و تنها قطعات پراکنده ای از آن به جای مانده، اما دانشمندان برجسته ای از این اثر او به نیکی یاد کرده اند. خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب « صور الكواكب » از نظرات دینوری در نجوم و علوم فلکی نام برده و کتاب الانواء او را با عبارات زیر تحسین و تمجید کرده است: « هر چند در علم انواء بسیار کتاب‌ها دیده ایم، اما تمام‌ترین و کامل‌ترین آن کتاب‌ها که در این فن دیده ایم، کتاب ابو حنیفه دینوری است و این کتاب دال است بر آن که او را به اخبار و اشعار و اسجاعی که در این فن از کتاب منقولست، معرفتی بوده است تمام تر از دیگر کسانی که در این شیوه تالیف کرده اند.»

عبد الرحمن صوفی منجم معروف (د. ۳۷۶ ق)، نیز درباره کتاب دینوری، یک قرن پس از او چنین می‌نویسد: درباره « انواء » کتاب‌های فراوان هست و کامل‌تر از همه کتاب ابو حنیفه دینوری است که معلوم می‌دارد وی از اخبار و اشعار و کلمات مسجع عرب، به مراتب بیشتر از دیگر کسانی که در این رشته تالیف کرده اند، اطلاع دارد (کراچکوفسکی، ۱۳۹۳: ۹۷). علاوه بر این‌ها، ابن سیده المرزوقی فیروز آبادی (تاج العروس)، ابن منظور، عبد القادر بغدادی در تألیفات خود به کتاب الانواء دینوری استناد کرده و به آن رجوع داشته اند (ابن قتیبه، ۱۹۷۸: ۲۶).

ح : ابو علی، احمد بن محمد بن حسن، ملقب به مرزوقی اصفهانی (د. ۴۲۱ق)

مرزوقی اصفهانی ادیب و نویسنده بزرگ نیمه دوم قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، اهل اصفهان و از معلمان اولاد آل بویه است. آثار متعددی از جمله شرح الحماسه، کتاب شرح المفضلیات، کتاب شرح الفصیح، کتاب شرح اشعار هذیل، از وی به جامانده است (حموی، ۱۳۸۱: ۱/۲۲۴). کتاب «الزمنه و الامکنه» او در درباره طبیعت و حرکت ستارگان و نام‌های آن‌ها و نیز قوانین حاکم بر آن‌ها و... بحث می‌کند و شامل ۸۳ باب و فصولی است که بر اساس حروف ابجد تنظیم شده اند. شروع زمان، اقسام زمان، شروع سال طبق همه مذاهب، انواء و منازل قمر، تعریف سال عرب، فارس و روم و اوقات فصل‌های سال، تعیین اوقات تهجد، اعیاد، ماه‌های حرام، ایام معلومات و ایام معدودات، صلاه وسطی، لفظ امس، غد، حول، سنه، عام و...، اسامی دهر، اسامی آسمان و ستارگان و فلک و برج‌ها و خورشید و ماه و هلال و غیره از مطالب مندرج در این کتاب می‌باشد (مرزوقی اصفهانی، ۱۴۱۷: ۵۶۱-۵۶۷).

مرزوقی اگر چه در ارائه مطالب این کتاب مهم، ترتیب و نظم قابل توجهی را بکار بسته، اما همانگونه که از فهرست مطالب کتاب بر می‌آید، انواء نویسی او در قیاس با دیگر مؤلفین بیشتر صبغه دینی داشته و تلاش نموده از این طریق بهتر بتواند به نیازهای شرعی جامعه اسلامی در تعیین مناسبت‌ها، ایام، اوقات شرعی و... پاسخ لازم را ارائه نماید.

ط: ابن الاجدابی، ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل بن احمد الطرابلسی (د ۴۷۰ق)

اجدابی ادیب، لغت‌شناس و آشنا به علوم قرآن، فقه، کلام، هیأت و نجوم بوده، معروفترین تألیف او «الزمنه و الانواء» کتابی است به زبان عربی در علم انواء، که دارای یک مقدمه و ۲۴ باب می‌باشد. روش مؤلف در این کتاب بر اختصار است از این رو به بیان دیدگاه‌های متفاوت و جزئیات آن‌ها در زمینه مورد نظر نپرداخته و به ذکر مهمات موضوع بسنده

^۱ برای اطلاعات بیشتر نک: دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۸، مدخل دینوری.

کرده است. این کتاب به دلیل آن که دانسته های اعراب جاهلی در موضوع انواء را بیان و به آن چه از این آگاهی ها در میان اعراب پس از اسلام نیز مورد استفاده بوده آشنا می سازد، از ارزش و اعتبار ویژه ای برخوردار شده و از آن به عنوان سومین کتاب برتر که در موضوع انواء نوشته شده یاد می شود (ابن اجدایی، ۲۰۰۶: ۱۸-۱۹). فهرست مطالب این کتاب در ۲۴ باب به شرح ذیل است:

محاسبه زمان، ذکر ایام سال عربی و نام ماه های آن، فصل ذکر سال نو عربی، فصلی در نشانه های ماه های عربی و شناخت معانی آنها، تشخیص کبیسه از سنت عرب، فصل ذکر روزهای سال شمسی، تاریخ رومی ها و سریانی ها و نام ماه های آن ها، شناخت عصر ذوالقرنین، فصل ذکر سنت فارسی، ماه های غیر عربی و شناخت معانی آن ها، شناسایی سال های کبیسه از سال های ایرانی، ذکر سیارات معروف و نزدیک به آنها، سیاره ها، اوقات سال و فصول و زمان شروع آن ها، اوقات فصل های سال، فصل شناخت منازل خورشید و موقعیت آن، فصل شناخت منازل ماه و موقعیت آن، فصل شناخت طالع، ساقط و متوسط، باب ذکر اوقات شب و تخمین آن چه در جریان منازل می گذرد، باب اوقات نماز، فصل شناخت جهت قبله در تمام آفاق، فصلی در ذکر باده ها و نام و خطرات آن ها، باب معنای النوء (انواء)، فصل شناخت ماه های شمسی و نام آن ها نزد فارس ها (ابن اجدایی، ۲۰۰۶: ۱۸۱-۱۸۴).

اگر چه، پس از ابن اجدایی در خصوص «انواء» تألیفات دیگری نیز دیده می شود، اما او را می توان جزو آخرین دانشمندانی که در دوره اسلامی کتاب مهم و قابل توجهی از خود در زمینه «انواء» بجا گذارده است، دانست.

به هدف داشتن تصویری جامع از گستردگی کتب «الانواء»، نام ۴۰ نفر از انواء نویسان معروف در فاصله قرون ۲ تا ۷ هجری، که تألیفاتشان در ۹ منبع مهم: الانواء فی المواسم العرب (ابن قتیبه)، آثار الباقیه عن القرون الخالیه (بیرونی)، الازمنه و الانواء (ابن اجدایی)، معجم الادباء (یاقوت حموی)، وفيات الاعیان (ابن خلکان)، کشف الظنون (حاجی خلیفه)، تاریخ نوشته های جغرافیایی جهان اسلام (کراچوفسکی)، دائرة المعارف اسلام (EI²) و دائرة المعارف بزرگ اسلامی آمده، در جدول ذیل (شماره ۱) گرد آوری شده است.

۱- انواء نویسان در منابع و مأخذ جغرافیایی

ردیف	انواء نویسان	الانواء فی مواسم العرب ^۱	آثار الباقیه عن القرون الخالیه ^۲	الازمنه و الانواء ^۳	معجم الادباء ^۴	وفیات الاعیان ^۵	کشف الظنون حاجی خلیفه ^۶	تاریخ نوشته های جغرافیایی ^۷	EI ² ^۸	دائرة المعارف بزرگ اسلامی ^۹
۱	ابن کناسه (ابو یحیی محمد بن عبدالله الأسدی الکوفی - ۱۳۲.د ق)	*	*						*	*

۱- کتاب "الانواء فی مواسم العرب": (ابن قتیبه، ۱۹۷۸: ۹۹، ۹۱، ۲۸، ۲۳، ۱۴)

۲- کتاب "آثار الباقیه عن القرون الخالیه": (ابوریحان بیرونی، ۱۳۸۰: ۳۲۴، ۳۳۱، ۴۳۱، ۴۴۲، ۵۲۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۷۳۴)

۳- کتاب "الازمنه و الانواء": (ابن اجدایی، ۲۰۰۶: ۸۴۹، ۱۸، ۱۹، ۱۷، ۱۰، ۱۸۸، ۱۹۰)

۴- کتاب "معجم الادباء": (حموی، ۱۳۸۱: ۱/۳۶۹، ۱۱۳، ۱۹۷، ۳۳؛ ۲/۱۱۸۰، ۱۱۰۴، ۱۰۷۷، ۱۱۵۷، ۷۸۶)

۵- کتاب "وفیات الاعیان": (ابن خلکان، بی تا: ۴۴، ۴۹؛ ۳/۱۷۰؛ ۴/۳۰۶، ۳۲۳؛ ۵/۳۰۴، ۳۹۷)

۶- کتاب "کشف الظنون": (حاجی خلیفه، ۱۴۲۹: ۳/۲۸)

۷- کتاب "نوشته های جغرافیایی جهان اسلام":

۸- دانشنامه "دائرة المعارف اسلام (EI)":

۹- دانشنامه "دائرة المعارف بزرگ اسلامی": (مولوی، ۱۳۹۹: ۸/۲۸۰)

ردیف	انواء نویسان	الانواء فی مواسم العرب ^۱	آثار الباقیه عن القرون الخالیه ^۲	الازمذ و الانواء ^۳	معجم الادبا ^۴	وفیات الاعیان ^۵	کشف الظنون حاجی خلیفه ^۵	تاریخ نوشته های جغرافی ^۷	EI2 ^۸	دائره المعارف بزرگ اسلامی ^۹
۲	الدهنی (متولد ۱۷۵ق)	*							*	
۳	قاسم بن معن (القاسم بن معن، د. ۱۷۵ق)	*								
۴	مورج سدوسی (مورج بن عمر ابوفید السدوسی العجلی - د. ۱۹۵ق)	*			*	*	*	*	*	*
۵	ابن خرداد به (عبد الله بن عبدالله ابو القاسم - د. ۲۰۰ق)	*						*	*	
۶	یحیی بن زیاد فراء (د. ۲۰۳ق)								*	
۷	نضر بن شمیل (النحوی المازنی التحیمی المروزی القاضی، د. ۲۰۴ق)	*			*	*	*	*	*	*
۸	هشام کلبی (هشام بن محمد بن سائب بن بشر بن عمرو - د. ۲۰۶ق)						*			
۹	ابن لغذه اصفهانی (د. ۲۱۰ق)						*			
۱۰	الاصمعی (ابوسعید عبد الملک بن قریب - د. ۲۱۵ق)	*			*	*	*	*	*	*
۱۱	ابن عمار الثقفی (ابن عمار الثقفی، د. ۲۱۹ق)	*			*					
۱۲	ابن الاعرابی (محمد بن زیاد ابن الاعرابی د. ۲۲۳ق)	*			*	*	*	*	*	*
۱۳	قاسم بن سلام (ابوعبیده قاسم ابن السلام خزاعی، د. ۲۲۴ق)								*	
۱۴	هشام الشیبانی (ابو معلم بن هشام السعدی الشبانی، د. ۲۲۵ق)	*					*		*	
۱۵	قطرب بن نحوی (محمد بن مُستَنبِر بصری، د. ۲۲۶ق)								*	
۱۶	حبیب بغدادی (محمد بن حبیب بن امیه بن عمرو، د. ۲۴۵ق)	*			*					

ردیف	انواء نویسان	الانواء فی مواسم العرب ^۱	آثار الباقیه عن القرون الخالیه ^۲	الازمذ و الانواء ^۳	معجم الادبا ^۴	وفیات الاعیان ^۵	کشف الظنون حاجی خلیفه ^۵	تاریخ نوشته های جغرافی ^۷	EI2 ^۸	دائره المعارف بزرگ اسلامی ^۹
۱۷	المفضل بن سلمه (د. ۲۵۰ق)									
۱۸	جاحظ (ابو عثمان عمرو بن بحر، د. ۲۵۵ق)			*				*		
۱۹	المبرد (محمد بن یزید الأزدی - د. ۲۸۵ق)	*			*				*	
۲۰	ابو معشر البلیخی (جعفر بن محمد بن عمر - د. ۲۷۲ق)	*								
۲۱	این قتیبه (ابو محمد عبدالله بن مسلم دینوری - د. ۲۷۶ق)	*					*	*	*	
۲۲	ابوحنیفه دینوری (احمد ابن داوود الدینوری - د. ۲۸۶ق)	*	*	*	*		*	*	*	*
۲۳	المرثدی (ابو احمد بن بشر المرثدی، د. ۲۸۶)	*			*				*	
۲۴	ثابت بن قره (شیبان بن ثابت ابن قره، د. ۲۸۸ق)						*		*	
۲۵	وکیع القاضی (محمد بن خلف بن حیان، د. ۳۰۶ق)	*						*	*	
۲۶	الزجاج (ابرهیم بن محمد الزجاج النحوی د. ۳۱۰ق)	*				*	*			
۲۷	اخفش الصغیر (ابوالحسن علی بن سلیمان بن المفضل - د. ۳۱۵ق)	*			*				*	
۲۸	ابن درید (ابوبکر بن حسن الأزدی البصری د. ۳۲۱ق)	*			*	*	*	*	*	
۲۹	الصولی (د. ۳۳۵ق)					*				
۳۰	ابی محمد الجبلی - د. ۳۵۲ق		*							
۳۱	الزراری (ابو غالب احمد بن سلیم الزراری، د. ۳۶۵ق)	*								

ردیف	انواء نویسان	الانواء فی مواسم العرب ^۱	آثار الباقیه عن القرون الخالیه ^۲	الازمذ و الانواء ^۳	معجم م الادبا ^۴	وفیات الاعیان ^۵	کشف الظنون حاجی خلیف ^۵	تاریخ نوشته های جغرافی ^۷	EI2 ^۸	دائره المعارف بزرگ اسلامی ^۹
۳۲	این نوبخت (حسن بن سهل ابن نوبخت، د. قرن ۴ق)								*	
۳۳	مرزوقی اصفهانی (ابوعلی احمد بن حسن - د. ۴۲۱ق)	*		*						
۳۴	بیرونی (ابورحمان محمد بن احمد، د. ۴۴۰ق)								*	*
۳۵	ابن الاجدابی (ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل بن احمد الطرابلسی - د. ۴۷۰ق)	*			*		*			*
۳۶	کلثومی (خالد بن کلثوم - د. ۵۰۳ق)									*
۳۷	الزجاج (ابراهیم بن السری الزجاج، د. ۵۰۴ق)		*						*	
۳۸	الصوفی (ابی الحسین الصوفی، د. ۵۰۵ق)		*							
۳۹	القزوینی (زکریا ابن محمد القزوینی، د. ۶۸۲ق)			*						
۴۰	المزیدی (به نقل از فهرست ابن ندیم)	*								

استناد دهی به کتب الانواء در منابع جغرافیایی دوره اسلامی

برای برداشتی متقن و مستند از ارتباط و نقش مؤثر کتب الانواء در تألیفات جغرافیایی دوره اسلامی، در این بخش میزان استناد دهی به مطالب ده تن از انواء نویسان مشهور، در ده کتاب مهم جغرافیایی دوره اسلامی، مورد احصاء قرار گرفته، نتایج آن در نمودار ذیل (شماره ۲) نمایش داده شده، ضمن آن که عناوین مهم موضوعات مورد توجه در این ارجاعات نیز، در بخش بعدی آورده شده است.

ده تن انواء نویسان مشهور عبارتند از: ابن کناسه، مورج سدوسی، ابن خردادبه، نضر بن شمیل، ابن هشام کلبی، اصمعی، قاسم بن سلام خزاعی، ابو معشر بلخی، ابن قتیبه دینوری، ابوحنیفه دینوری.

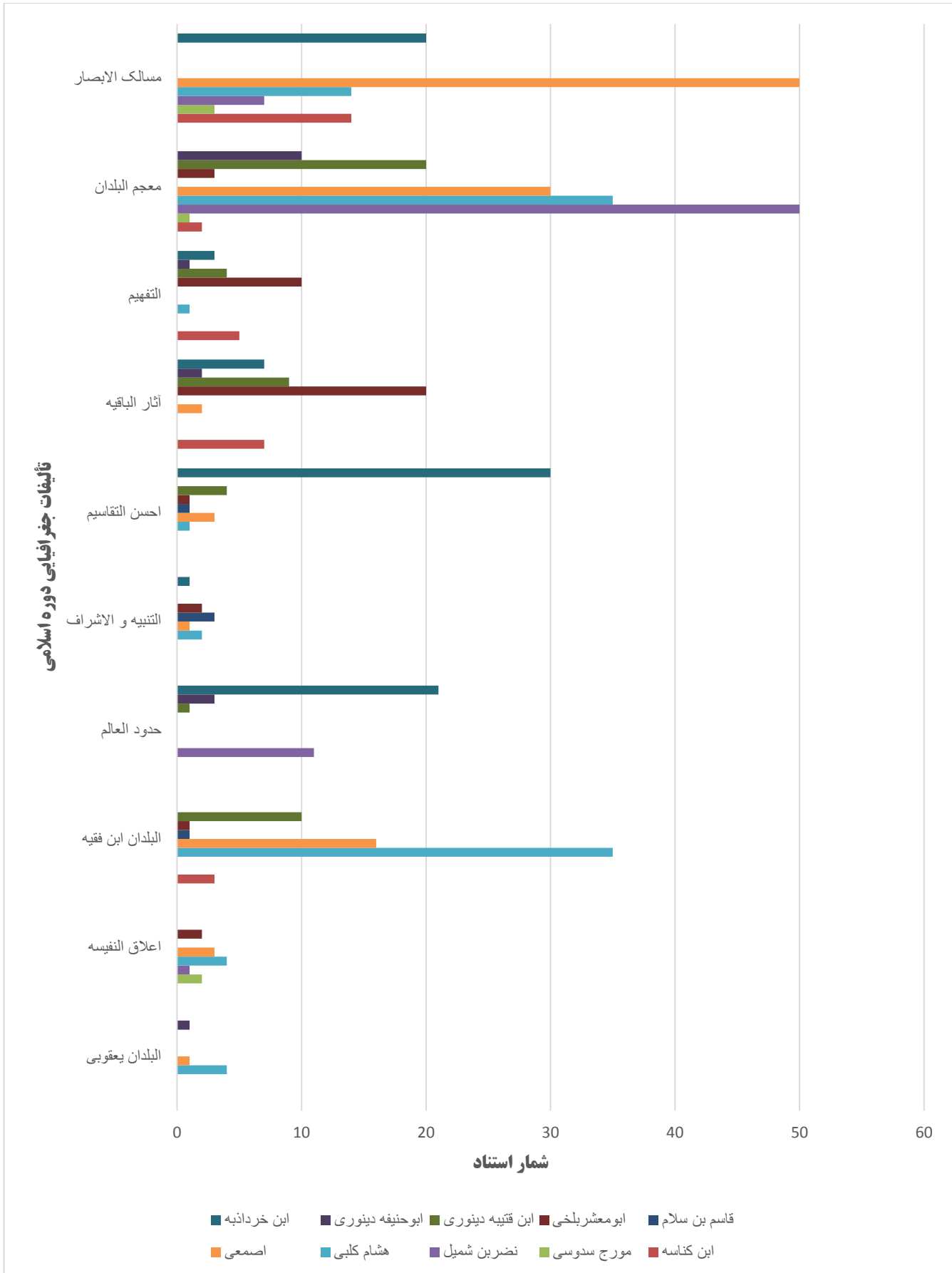
ده کتاب مهم جغرافیایی مورد استناد (تألیف شده در فاصله سالهای پایانی قرن سوم تا اواخر قرن هشتم هجری) نیز بدین قرار است: البلدان - یعقوبی (د. ۲۸۴ق)، الاعلاق النفیسه - ابن رسته (د. ۲۹۰ق)، البلدان - ابن فقیه (د. ۳۴۰ق)، حدود العالم

من المشرق الى المغرب (قرن ۴ق)، تنبيه و الاشراف- مسعودی (د. ۳۴۶ق)، احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم- مقدسی (د. ۳۸۱ق)، « آثار الباقيه » و « التفهيم » - بیرونی (د. ۴۴۰ق)، معجم البلدان- ياقوت حموی (د. ۶۲۶ق)، مسالك الابصار في ممالك الامصار- فضل الله العمري (د. ۷۴۹ق)

در خصوص این بررسی و نمودار میزان استنادها، توضیحات ذیل ضروری می نماید:

- در این بررسی تلاش شده تا کمیّت این ارجاعات دقیقاً برآورد شود، اگر چه به دلیل تشابهات اسمی، کاربرد کتبه ها به جای نام واقعی و محدودیت های دسترسی به برخی کتب، این تعداد نسبی و تجدید نظر در مورد تعداد و ارقام ذکر شده، نیز محتمل است.
- نگاهی کلی به تألیفات مهم جغرافیایی دوره اسلامی نشان می دهد، تقریباً تمامی این آثار، هریک به نحوی از کتب الانواء، به شکلی مستقیم یا غیر مستقیم در استناد دهی و یا استفاده از اطلاعات آنها متأثر بوده اند، اگر چه در این نمودار نام تمامی آن ها ذکر نشده است.
- برخی از مؤلفین کتب جغرافیایی، برغم آنکه در تألیف خود به استفاده از کتب الانواء اذعان داشته اند، ولی در متن کتاب به چگونگی و موارد مورد استناد اشاره ای نکرده اند.
- میزان استناد برخی از این تألیفات به کتب الانواء بسیار چشمگیر است، تنها معجم البلدان یاقوت بیش از ۳۳۰ بار به مطالب اصمعی و در بیش از ۵۰ مورد به نصر بن شميل، حدود ۵۰ بار به هشام الكلبي و ۱۰ بار به مطالب ابو حنیفه دینوری استناد داده است (حموی، ۱۳۸۰: ۱/ ۷۳، ۳۰، ۴۶). التفهيم بیرونی حدود ۲۰ استناد مستقیم از اصمعی دارد^۱. سایر تألیفات نیز هر یک به نحوی به این کتب مراجعه و استناد داده اند.
- برخی از کتب « الانواء » متقدّم از جمله «الازمنه و الامکنه» از مرزوقی اصفهانی، «الازمنه و الانواء» ابن اجدابی، «الانواء فی مواسم العرب» ابن قتیبه دینوری، «المخصّص» از ابن سیده و ...، مستند به مطالب کتب الانواء متأخر، از جمله کتب « الانواء » مورج سدوسی، ابن کناسه، ابن خرداذبه، اصمعی، نصر بن شميل، ابن درید و ... بوده و به دفعات متعدد از مطالب آنها بهره برده اند که در این نمودار منظور نشده است.
- استناد به کتب الانواء در تألیفات مهم جغرافیایی دوره اسلامی، تنها محدود به کتب ده گانه فوق نیست و دیگر تألیفات جغرافیایی دوره اسلامی نیز بارها بدان ها رجوع و استناد کرده اند که در این برآورد ملحوظ نشده است.

^۱ به جدول شماره ۳ در همین مقاله مراجعه شود.



۲- نمودار میزان استناد تألیفات جغرافیایی به کتب الانواء

اهم عناوین موضوعات مورد استناد به کتب الانواء، در تألیفات جغرافیایی دوره اسلامی

همان گونه که اشاره شد تقریباً تمامی کتب جغرافیایی دوره اسلامی، به نوعی به مطالب کتب الانواء استناد داشته و از اطلاعات آن ها متأثر بوده اند. این اطلاعات به اشکال مختلف (از جمله با اشاره به کتاب آن ها و یا ذکر نام انواء نویسان)، در تألیفات مختلف جغرافیایی آمده، و سپس موضوع مورد نظر نیز با توجه به دانش و آگاهی های آن روز، مورد بررسی و در خصوص جنبه های مختلف آن توضیحات و اضافات جدیدی علاوه شده است.

موارد استناد، طیف وسیعی از موضوعات از جمله نجوم، جغرافی، انسان شناسی، پدیده های طبیعی، احوال گذشتگان و سرزمین های مختلف و ... را در بر می گیرد، که در این جا به مهم ترین عناوین آن به شرح ذیل اشاره شده، اگر چه می تواند موارد دیگری را نیز شامل گردد:

- تبار شناسی،
- لغت شناسی و توضیح اصطلاحات عرب جاهلی در خصوص جنبه های مختلف انواء،
- نقل اشعار در خصوص معنی لغات و اصطلاحات مختلف انواء،
- تاریخ باستان و چگونگی زیست اقوام پیشین،
- معرفی شخصیت ها و قبایل عرب،
- نقل روایات و احادیث،
- نقل دیدگاه های مختلف ستاره شناسی و نجوم،
- نظریات زمین شناسی و آغاز هستی،
- حرکت اجرام سماوی و منازل ۲۸ گانه ماه،
- بررسی علل تغییرات آب و هوایی و پدیده های طبیعی،
- بیان مشخصات فصل های سال و علل تغییرات جوی،
- خاستگاه ابر، باران، باد و سایر پدیده های طبیعی،
- خصوصیات نژادی، قومی، عادات و سنن مردم در سرزمین های مختلف،
- نقل شرح موقعیت سرزمینی، طبیعی، جغرافیایی مناطق مختلف،
- توصیف خصوصیات اجتماعی، فرهنگی مناطق و اقوام در جزیره العرب و خارج از آن،
- شرح اصطلاحات و تعابیر نجومی و جغرافیایی عرب بدوی،
- توضیح گویش های مختلف تاریخی عرب،
- تعابیر و اصطلاحات عرب جاهلی در خصوص پدیده های طبیعی با اشعاری از گذشتگان،
- شرح اعتقادات مردم در سرزمین های مختلف،
- نقل عجائب و غرائب سرزمین ها،

- تاریخ بناهای مختلف در شهرهای بزرگ،
 - شرح و بررسی راه های مواصلاتی و وضعیت هریک از آن ها،
 - وصف طبیعت مناطق، نواحی، دیه ها، قصبات، شهرها،
 - توضیح وضعیت اقتصادی و فرهنگی نقاط مختلف،
 - شرح محصولات و تولیدات کشاورزی و صنعتی هر یک از مناطق،
- با هدف دسترسی آسان تر به موارد و موضوعات مورد استناد، جدول ذیل (شماره ۳) در خصوص ده کتاب مهم جغرافیایی دوره اسلامی، که در آن ها از مطالب ده انواء نویس معروف بهره برده اند، تهیه و تنظیم گردیده است.

۳- جدول استناد کتب جغرافیایی به انواء نویسان دوره اسلامی^۱

مسالك الابصار	معجم البلدان	التفهيم	آثار الباقیه	احسن التقاسيم	التبويه و الاشراف	حدود العالم	البلدان ابن فقيه	اعلاق النفيسه	البلدان يعقوبى	انواء نویسان
۵۲.۲۷۱.۲۷۳/۲ ۲۰۴/۱ ۲۹۸.۳۳/۱۲ ۱۸۴/۹ ۴۰۲/۷ ۲۱.۱۱۶/۳ ۱۲۳.۵۷۲/۲۳ ۱۸۲/۱۸ ۴۴/۲۶	۴۷۶.۷۵۱	۱۶۲.۱۶۳. ۴۸۲.۴۸۳. ۴۹۰	۳۱۴.۳۹۶.۴۳۱. ۴۳۴.۴۴۲.۴۴۴. ۷۳۳	*	*	*	۱۴۴.۱۸۱.۲۱۶	*	*	ابن کناسه
۹۴.۳۲۹/۷	۴۰۶	*		*		*	*	*	*	مروج السدوسى
۱۵.۸۴.۳۷۷/۷ ۲۵۰/۶ ۲۱۹/۲۲ ۱۵.۸۴.۳۷۷/۷ ۴۲/۲۶ ۷۶/۲۳	/۱ ۷۳.۳۶.۷۵.۵ ۷۲ /۲ ۶۵.۷۷.۷۷.۱ ۶۸.۱۷۶.۱۷ ۷.۲۳۱.۲۶۸. ۲۹۵.۵۱۲.۵	*		*		۱۴.۳۸.۷۷.۸۱. ۸۲.۸۶.۸۷.۹۷.۱ ۳۲.۱۶۳.۱۸۹	*	*	*	نضربین شمیل

^۱ اعداد نمایش داده شده در خانه های جدول، مربوط به صفحات هر یک از استنادها در ده کتاب جغرافیایی است. شناسه هر یک از کتابهای فوق نیز در بخش منابع و مأخذ مقاله آمده است.

مسالك الابصار	معجم البلدان	التفهيم	آثار الباقیه	احسن التقاسيم	التنبیه و الاشراف	حدود العالم	البلدان ابن فقيه	اعلاق النفيسه	البلدان يعقوبی	انواء نویسان
	۴۳،۵۶۳،۶۱ ۵									
/۱ ۱۹۳،۱۹۸،۳۵۳،۳۶۱،۴ ۱۷۰/۱۳ ۳۷۸/۱۲ .۹۲ ۱۹۱،۲۵۱،۲۶۱/۱۴ ۳۲۷،۶۲۳/۲۳ ۲۱۲/۱۸ ۶۰/۲۵	/۱ ۷،۸۹،۹۰،۱۲ ۰،۲۵۸،۲۷۱، ۴۴۸،۴۶۰،۴ ۸۳،۶۱۶،۷۰ ۱،۸۰۹،۸۲۵ /۲ ۳۹،۶۷،۶۷،۷ ۶،۱۰۴،۱۰۷، ۱۳۰،۱۵۱،۱ ۵۲،۱۶۱،۱۹ ۴،۲۰۴،۲۸۹، ۲۹۹،۳۰۴،۳ ۱۴،۳۱۹،۳۳ ۸،۳۴۶،۳۴۸، ۳۹۱،۴۰۲،۴ ۳۳،۴۳۷،۴۵ ۶،۵۰۲،۵۱۱، ۵۴۸،۵۵۶،۵ ۷۹،۵۸۶،۵۸	۴۸۶		۵۷۵	۷۱،۷۱،۶۸	*	۲۷،۷۴،۸۴،۹۱،۹۳،۹۵،۱۱۵،۱۲ ۰،۱۲۱،۱۳۲،۱۵۳،۱۵۵،۱۹۲ ۲۰،۱،۲۱۳،۲۳۲،۲۵۵،۲۷۷،۳۰۷، ۳۱۴،۳۶۳،۳۷۸،۴۱۳،۴۱۷ ۴۲۱،۴۴۹،۴۵۹،۵۰۰،۵۰۴،۵۲۷، ۵۲۹،۵۳۷،۵۸۳،۵۹۱،۶۰۱،۶۳۹	۲۰۳/۱ ۹،۴۹، ۸۲	۲۲،۴ ۹،۴۹، ۸۲	هشام کلی

انواء نویسان	البلدان یعقوبی	اعلاق النفیسه	البلدان ابن فقیه	حدود العالم	التنبیه و الاشراف	احسن التقاسیم	آثار الباقیه	التفهیم	معجم البلدان	مسالك الابصار
									۷،۵۹۱،۵۹۹، ۶۱۱،۶۲۰،۶ ۳۶	
اصمعی	۸۰	۱۹۱،۱۹۲ ،۲۱۶	۸۴،۸۸،۹۴،۱۵۵،۱۷۶،۱۸۲،۱۹۹ ،۲۶۲،۳۷۷،۴۰۱،۴۱۲،۴۹۱،۵۴۰ ،۶۲۵	*	۷۶	۴۶،۲۲۴،۵۷۵		*	/۱ ۷۴،۹۱،۹۲،۹ ۵،۱۰۳،۱۱۰، ۱۲۴،۱۳۰،۱ ۳۲،۱۳۴،۱۵ ۱،۱۵۵،۱۷۰، ۲۰۷،۲۳۷،۲ ۵۷،۲۶۷،۲۷ ۶،۲۸۰،۲۸۳، ۲۹۶،۳۰۴،۳ ۴۶،۳۷۰،۴۲ ۸،۵۲۲،۵۲۵	۲۰۶،۲۸۴/۱ ۸۸،۸۹،۱۷۰/۵ ۳۹،۱۵۳/۶ /۷ ۱۹،۲۰،۲۱،۲۴،۲۶،۲۷، ۳۲،۳۳،۳۶،۸۱،۸۸،۹۹، ۱۱۵۴ ۱۲۲ ۱۴۸،۲۹۴/۱۳ /۱۴ ۴۱،۴۴،۸۵،۸۶،۸۹،۹۸، ۱۰۰،۱۰۹،۱۱۶،۱۲۹،۱ ۳۰،۱۳۲،۱۴۴،۲۳۱،۵۲

مسالك الابصار	معجم البلدان	التفهيم	آثار الباقیه	احسن التقسيم	التنبیه و الاشراف	حدود العالم	البلدان ابن فقيه	اعلاق النفيسه	البلدان يعقوبی	انواء نویسان
۶۲۵/۲۳ ۲۳۰/۲۰ ۴ ۴۱.۵۰/۲۶										
*	*	*		۱۵۷	۲۲۴.۲۳۲	*	۲۵۷	*	*	قاسم بن سلام
*	/۱ ۳۹۴.۴۵۲.۶ ۱۴	۱۴۹.۳۵۰. ۴۴۰.۴۸۵. ۲۰۷.۲۲۵. ۲۳۸.۴۴۱. ۵۱۵.۵۱۷	۳۱.۳۲.۸۷.۸۸. ۹۰.۹۱.۱۷۶.۱۷ ۸.۲۳۰.۴۲۳.۲۴ ۴.۴۳۷.۴۶۳.۴۷ ۴.۴۷۶.۴۷۷.۵۲ ۲.۵۲۶.۵۵۸.۵۹ ۰.۶۳۷.۷۰۹	۱۹	۴۱.۱۶۹	*	۳۷۷	۱۶۲.۱۶۲. ۱۷	*	ابومعشر بلخی
*	/۱ ۹.۲۳۷.۳۰۹. ۳۸۲.۴۵۵.۵ ۳۳.۵۳۶.۵۵ ۹.۶۰۱.۶۲۹. - ۶۶۶.۷۲۶ /۲ ۳۵.۷۲.۸۶.۲	۶۸.۷۲۲.۷ ۲۳.۷۲۹		۶۰.۴۲۶.۴۳۳. ۵۸۹		۱۶	۱۳.۱۸.۱۹.۳۹۸.۱۷.۴۳۸.۶۴.۴ ۶۵.۵۸۸	*	*	ابن قتیبه دینوری

مسالك الابصار	معجم البلدان	التفهيم	آثار الباقية	احسن التقاسيم	التنبيه و الاشراف	حدود العالم	البلدان ابن فقيه	اعلاق النفيسه	البلدان يعقوب بي	انواء نويسان
	۷۵،۳۶۳،۴۹ ۷،۵۴۴									
*	/۱ ۳۳۹،۳۹۵،۴ ،۰۵ ۱۹۵،۳۳۰/۲	۸۶	۵۱۷،۵۲۹،۵۵۹، ۵۶۲،۵۷۶،۶۸۵، ۶۹۶،۷۳۴،۴۳۱، ۴۴۴	*		۱۱۸،۱۵۵،۱۵۶	*	*	*	ابو حنيفه دينورى
/۱ ۳۰۱،۳۱۱،۴۴۹،۴۵۰،۴ ۵۳ /۲ ۲۱،۳۳،۲۷،۱۳۷،۲۵۴،۳ ۰۳ /۳ ۳۸،۴۳،۷۱،۱۳۳،۱۴۲،۱ ۲۸۸/۲۳ ۴۳،۴۰۰ ۳۶/۲۶		۱۷۰،۵۴۱، ۵۵۷	۵۰۱،۵۰۲،۵۶۲، ۵۶۶،۶۹۸،۴۸۳، ۰۷	۸۲،۸۳،۱۰۱،۱ ۳۰،۱۴۵،۱۵۲، ۱۵۳،۱۵۴،۱۵۵ ،۱۵۶،۲۰۹،۲۶ ،۹ ۳۰۷،۳۰۸،۳۱۴ ،۳۵۲،۳۵۳،۳۶ ،۰۵۰۰،۵۰۱،۵ ،۰۶،۵۰۷،۵۰۹، ۵۳۱۵۳۲،۵۳۳، ۵۳۴،۵۳۶،۵۳۸ ،۵۴۶،۵۶۹،۵۸ ۷،۵۹۹،۶۰۰،۶	۶۶	۱۰،۱۲،۱۵،۲۹، ۳۳،۳۴،۳۵،۳۸،۶ ف ۷۷،۸۱،۹۳،۱۰۰ ،۱۰۶،۱۰۷،۱۲۳، ۱۳۰،۱۸۴،۱۹۷، ،۲۰۲،۳	۲۰،۲۱،۳۹،۴۰،۷۸،۱۱۵،۱۳۲،۱ ،۳۵،۱۷۹،۱۸۰،۱۹۰،۱۹۱،۳۸۲ ۳۸۳،۳۸۴،۳۸۵،۳۸۸،۳۹۱،۴۰۹، ،۴۱۱،۴۱۴ ۴۱۵،۴۱۸،۵۷۲،۵۹۵،۶۰۰،۶۲۶، ۶۲۸،۶۲۹،۶۳۱،۶۳۲،۶۳۴،۶۴۹	*	*	ابن خراداذبه

انواء نویسان	البلدان ن يعقوبی	اعلاق النفيسه	البلدان ابن فقيه	حدود العالم	التنبيهه و الاشراف	احسن التقاسيم	آثار الباقيه	التفهيم	معجم البلدان	مسالك الابصار
						۲۵،۶۳۲،۶۷۴ ۶۷۶،۶۸۲				

نتیجه گیری

علم «انواء» از مجموعه آگاهی های عرب بدوی نسبت به زمان، چگونگی حرکت اجرام سماوی و وجود ارتباط میان پدیده های طبیعی و این اجرام است. این اطلاعات که در قالب نثر، اشعار جاهلی، جملات قصار و حکمت بود، پس از ظهور اسلام، ابتدا از سوی لغت شناسان مسلمان، مورد توجه قرار گرفت و به تدریج در سلسله کتبی تحت عنوان «الانواء» مدون گردید که در آن ها علاوه بر آن که هر موضوع جداگانه و با شواهد مکرر و با استفاده از اشعار جاهلی توضیح داده می شد، اوصاف مختصری نیز در مورد آن بیان می گردید.

تألیف این سلسله از کتب در سده های اول دوره اسلامی، فرصت و زمینه مناسبی را برای توسعه علم جغرافی نزد علما و دانشمندان اسلامی به وجود آورد. با استفاده از اطلاعات کتب الانواء، کتاب های متعددی در دوره اسلامی، در زمینه جغرافی تألیف شد که زمینه ساز خلق آثار گران بهایی در زمینه جغرافیای نجومی، ریاضی و توصیفی و ... گردید که در تمدن اسلامی ماندگار شدند.

تألیف این کتب، نشان از توجه مسلمانان از یکسو به رفع نیازهای جامعه اسلامی در خصوص تعیین اوقات شرعی، از جمله زمان طلوع و غروب خورشید، تعیین وقت نمازهای یومیه، ماه های سال، وقت انجام شعائر الهی و ... و از سوی دیگر به علم جغرافی و آگاهی از محیط پیرامونی دارد.

بررسی مطالب و محتوای برخی کتب الانواء، اعم از نوشته های موجود و قابل دسترسی و یا منقول از سوی دیگران، اگر چه نشان می دهد که دایره مطالب اغلب آن ها از حدود جزیره العرب تجاوز نمی کرده، اما موضوعات این تألیفات، تنها محدود به اطلاعات نجومی نیز نشد و به تدریج جغرافیای طبیعی، جغرافیای انسانی و حتی جغرافیای حیوانی را نیز در بر گرفت.

نتایج پژوهش حاضر، حاکی است غالب تألیفات مهم جغرافیایی دوره اسلامی، هر یک به نوعی از کتب الانواء، به شکلی مستقیم یا غیر مستقیم، متأثر بوده و از اطلاعات آن ها بهره گرفته و یا بدان ها رجوع و استناد کرده اند، حقیقتی که بارها جغرافی دانان و دانشمندان اسلامی نیز در تألیفات خود، بدان اشاره داشته اند.

میزان استناد برخی از این تألیفات به کتب الانواء بسیار چشمگیر است، که نمونه آن استناد یاقوت حموی و بیرونی در تألیفاتشان به مطالب اصمعی و نضر بن شمیل، هشام الکلبی و ابو حنیفه دینوری و ... است. سایر تألیفات نیز هر یک به نحوی به این کتب مراجعه و استناد داده و از مطالب آن بهره برده اند.

موضوعات مورد استناد از این کتب نیز، طیف وسیعی از موارد از جمله نجوم، جغرافی، انسان شناسی، هستی شناسی، زبان شناسی و گویش های تاریخی، تبار شناسی، پدیده های طبیعی، احوال گذشتگان و سرزمین های مختلف، و ... را در بر می گیرد که نشان دهنده وسعت اطلاعاتی بوده که در این کتب جمع آوری شده بود.

به علاوه، این کتب، نه تنها بر تألیفات جغرافیایی آن دوران تأثیرگذار بودند، بلکه مطالب و داده های آنان، خود اساس تالیفاتی شدند که مبنای شناخت بسیاری از مناطق گردید. نمونه آن کتاب "الخراج" قدامه بن جعفر است که غالب اطلاعات آن، بر گرفته از کتاب المسالک و الممالک ابن خردادبه بوده است.

اگر چه با توجه به رشد دانش جغرافیایی نزد مسلمانان، این سلسله تألیفات که در فاصله قرن دوم تا چهارم هجری از رونق بالایی نیز برخوردار بوده و تعداد آن تنها در فاصله این سه قرن از سی مورد نیز می گذشته، به تدریج متوقف گردید، اما اعتبار و جایگاه کتب الانواء در تمدن اسلامی و اثر گذاری آن بر رشد و توسعه جغرافی نزد مسلمانان، هنوز نیز در رجوع به هر اثر جغرافیایی در این دوره، قابل مشاهده و حقیقتی آشکار است.

- ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله، مسالک و ممالک، ترجمه‌ی خاکرند، ۱۳۷۱ش، میراث ملل، تهران.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، بی تا، دارصادر، بیروت.
- ابن رسته، احمد بن عمر، الأعلاق النفیسه، بی تا، دار صادر، بیروت.
- ابن سیده، علی ابن اسماعیل، المخصص، بی تا، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- ابن فضل الله العمری، احمد بن یحیی، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، ۲۰۱۰م، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ابن فقیه، احمد بن احمد بن محمد، البلدان (ابن الفقیه)، ۱۴۱۶ق، عالم الکتب، بیروت.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، الأنواء فی مواسم العرب، ۱۹۷۸م، بورو، حیدر اباد.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بی تا، دار الفکر، بیروت.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، فهرست ابن ندیم، ترجمه محمد رضا تجدد، ۱۳۴۶ش، بانک بازرگانی ایران، تهران.
- ابن اجدابی، ابراهیم بن اسماعیل، الأزمنه و الأنواء، ۲۰۰۶م، دار اَبی رُقراق، رباط.
- ابن حوقل، محمد، صوره الأرض، ۱۹۳۸م، دار صادر، بیروت.
- ابو ریحان بیرونی، محمد بن احمد، التفهیم لأوائل صناعه التنجیم، ۱۳۶۲ش، بابک، تهران.
- _____، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، ۱۳۸۰ش، میراث مکتوب، تهران.
- ابو عبید، قاسم بن سلام، الغریب المصنف، ۱۹۸۹م، بیت الحکمه، تونس.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد، المسالک و الممالک، بی تا، دار صادر، بیروت.
- السدوسی، مورج بن عمرو، الأمثال، ۱۹۸۳م، دار النهضه العربیه، بیروت.
- پاکتچی، احمد، «خزاعی(قاسم بن سلّام)»، دائره المعارف بزرگ اسلامی(جلد۵)، ۱۳۹۹ش، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون، ۱۴۲۹ق، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، ترجمه‌ی علی نقی منزوی، ۱۳۸۰ش، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- _____، معجم الأدباء، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۱۳۸۱ش، سروش، تهران.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ۱۳۷۷ش، دانشگاه تهران، تهران.
- صفوت، احمد زکی، جمهره رسائل العرب فی عصور العربیه الزاهره، بی تا، المکتبه العلمیه، بیروت.
- عطیه، احمد، تاریخ الانواء عند العرب، ۲۰۲۲م، الهیئته العامه المصریه للکتب، قاهره.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ۱۳۹۱ق، دار العلم للملایین، بیروت.
- قدامه، بن جعفر، الخراج، ترجمه‌ی حسین قرچانلو، ۱۳۷۰ش، البرز، تهران.

- قزوینی، زکریا بن محمد، آثار البلاد و أخبار العباد، ۱۹۹۸م، دار صادر، بیروت.
- کراچکوفسکی، ایگناتی، تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلام، ترجمه ی ابوالقاسم پاینده، ۱۳۹۳ش، علمی و فرهنگی، تهران .
- کرم زاده، فرشاد. «جغرافیای ریاضی در آثار نجومی دوره اسلامی»، ۱۳۹۵ش، ش ۱۴۲، تاریخ علم : ۱۶۱-۷۴، تهران.
- مرزوقی اصفهانی، احمد بن محمد، کتاب الأزمته و الأمکنه، ۱۴۱۷ق، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الإشراف، بی تا، دار الصاوی، قاهره.
- معین، محمد، فرهنگ معین، ۱۳۸۱ش، راه نو، تهران.
- مقدسی، محمد بن احمد، أحسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم، ترجمه علی نقی منزوی، ۱۳۶۱ش، تهران.
- مولوی، محمد علی، « انواء»، ۱۳۹۹ش، دائره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، ۱۴۲۲ق، دار الکتب العلمیه، بیروت.

Pellat, ch. (1979). ANWA. Encyclopedia of Islam(EI2)(Vo1),P523-524, Netherland: LEIDEN, n.d.